

نقش رهبری دینی و سیاسی آیت‌الله ملک‌حسینی در جهت‌دهی عشایر کهگیلویه و بویراحمد در انقلاب اسلامی

محمد مهدی روشنفکر^۱

چکیده

در روند پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عوامل متعددی در بسیج مردمی و جهت‌دهی به کنش‌های اجتماعی و سیاسی اقشار مختلف جامعه نقش داشتند. یکی از نیروهای تأثیرگذار در این فرایند، رهبران دینی محلی بودند که با بهره‌گیری از پایگاه مذهبی، قومی و اجتماعی خود، توانستند در سازماندهی و همسویی جوامع محلی با انقلاب اسلامی ایفای نقش کنند. این مقاله با تمرکز بر نقش آیت‌الله ملک‌حسینی، به‌عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته روحانی در استان کهگیلویه و بویراحمد، تلاش دارد چگونگی تأثیرگذاری وی بر جهت‌گیری سیاسی و دینی عشایر این منطقه را تبیین کند. پرسش اصلی مقاله آن است که رهبری دینی آیت‌الله ملک‌حسینی چگونه بر مشارکت عشایر کهگیلویه و بویراحمد در انقلاب اسلامی تأثیر گذاشت؟ مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل تاریخی-اجتماعی، و براساس منابع شفاهی، اسناد تاریخی، و خاطرات انقلابیون محلی، نشان می‌دهد که آیت‌الله ملک‌حسینی با برخورداری از مشروعیت مذهبی، خاستگاه ایلی و تسلط بر شبکه‌های سنتی قدرت در میان عشایر، توانست به‌مثابه حلقه واسط میان رهبری انقلاب و اقوام محلی عمل کند. وی با سخنرانی‌ها، ارتباط با علمای انقلابی، و مواجهه با نیروهای امنیتی پهلوی، نقش محوری در آگاهی‌بخشی، بسیج نیروها و دفاع از ارزش‌های دینی در سطح بومی ایفا کرد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رهبری دینی و سیاسی ملک‌حسینی یکی از عوامل اصلی پیوند ایلات کهگیلویه و بویراحمد با گفتمان انقلاب اسلامی

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه یاسوج، کهگیلویه و بویراحمد، ایران

m.m.r1345@mail.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۳ نوع مقاله: علمی - پژوهشی

بود؛ پیوندی که پس از انقلاب نیز استمرار یافت و در تثبیت ساختار جمهوری اسلامی در مناطق عشایری نقش مؤثری داشت.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، آیت‌الله ملک‌حسینی، کهگیلویه و بویراحمد، ایلات و عشایر، بسیج سیاسی.



The role of Ayatollah Malek Hosseini's religious and political leadership in guiding the Kohgiluyeh and Boyer Ahmad tribes in the Islamic Revolution

Mohammad Mahdi Roshanfekr¹

Abstract

The victory of the Islamic Revolution in Iran was the result of various factors that mobilized the populace and guided the social and political actions of different social groups. Among these influential forces were local religious leaders who leveraged their religious and social standing to organize and align local communities with the Revolution. This study focuses on Ayatollah Malek Hosseini, a prominent figure from Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province, and examines how he influenced the political and religious orientation of the tribes in this region.

The main research question is how Ayatollah Malek Hosseini's religious leadership affected the participation of the tribes of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad in the Islamic Revolution. Using historical-social analysis based on oral sources, historical documents, and memoirs of local revolutionaries, the article shows that by virtue of his religious legitimacy, tribal background, and control of traditional power networks, he acted as an intermediary between the revolutionary leadership and local tribes. Through speeches, relationships with revolutionary clerics, and confrontations with the Pahlavi regime's security forces, he played a central role in raising awareness, mobilizing forces, and defending religious values at the local level.

Findings indicate that Malek Hosseini's religious and political leadership was a key factor linking the tribes of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad with the discourse of the Islamic Revolution. This link persisted after the revolution and played an important role in consolidating the structure of the Islamic Republic in tribal areas.

Keywords: Islamic Revolution, Ayatollah Malek Hosseini, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad, tribes, political mobilization. Diplomats, Text-Based Approach, Document Analysis Methodology, Documentary Elements Standard, Iranian Chancery Documents, Iranian Historical Documents .

¹ . Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Yasouj University, Kohgiluyeh and Boyer Ahmad, Iran

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران نتیجه تلاش گسترده علما، مجاهدان و نیروهای مردمی بود که با الهام از رهبری امام خمینی(ره)، سال‌ها در مسیر روشنگری، مبارزه با ظلم، و دفاع از ارزش‌های دینی گام برداشتند. این مبارزه در مناطق مختلف کشور، رنگ و بویی بومی به خود گرفت و به واسطه تلاش علمای محلی، همبستگی گسترده‌ای میان اقشار مختلف مردم با نهضت اسلامی شکل گرفت. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این مبارزات، آگاهی‌بخشی و افشای سیاست‌های دین‌زدایانه حکومت پهلوی بود که به‌ویژه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، تلاش می‌کرد با ابزارهایی چون «اصلاحات ارضی» و تبلیغ مدرنیسم غرب‌گرا، بنیان‌های فرهنگی و مذهبی جامعه را تضعیف کند.

در این میان، نقش آیت‌الله ملک‌حسینی، از شاگردان برجسته امام خمینی و از روحانیون اثرگذار در استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد، برجستگی ویژه‌ای دارد. وی طی سال‌های ۱۳۴۱ تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با مجاهدت خستگی‌ناپذیر در مسیر روشنگری و بسیج مردمی، به چهره‌ای محوری در مبارزات انقلابی جنوب کشور بدل شد. کارنامه سیاسی و دینی او، بخشی از حافظه تاریخی انقلاب اسلامی در مناطق عشایری را شکل داده است. وی با اتکا به نفوذ معنوی، شناخت ساختار ایلی، و برخورداری از پایگاه اجتماعی در میان عشایر، توانست در برابر سیاست‌های حکومت پهلوی ایستادگی کرده و جامعه عشایری را به نهضت امام خمینی پیوند دهد. ساختار سنتی و خاص جوامع عشایری، سابقه تاریخی آنها در منازعه با حکومت مرکزی، و حساسیت آنها نسبت به مداخلات دولتی، به‌ویژه در قالب طرح‌هایی چون اصلاحات ارضی، ایجاب می‌کرد که رهبری انقلابی با شناخت کامل از بافت اجتماعی، زبان، نمادها و سنت‌های محلی شکل بگیرد. در چنین بستری، آیت‌الله ملک‌حسینی با بهره‌گیری از اقتدار دینی و منزلت اجتماعی خود، نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت، سازماندهی، و همراه‌سازی عشایر با آرمان‌های انقلاب اسلامی ایفا کرد. وی همچنین از ظرفیت رزمی، انگیزه مقاومت، و حافظه تاریخی ایلات در برابر ظلم بهره گرفت تا آنان را به نیرویی مؤثر در جریان پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل کند.

این پژوهش با تکیه بر اسناد، خاطرات و داده‌های تاریخی معتبر، در پی آن است تا نقش رهبری دینی و سیاسی آیت‌الله ملک‌حسینی را در جهت‌دهی به ایلات و عشایر استان‌های فارس و

کهگیلویه و بویراحمد در فرآیند انقلاب اسلامی ایران مورد تحلیل و واکاوی قرار دهد. بررسی این تجربه محلی، نه تنها تصویری دقیق‌تر از سازوکارهای اجتماعی-سیاسی انقلاب در مناطق قومی و عشایری ارائه می‌دهد، بلکه نشان می‌دهد تثبیت انقلاب اسلامی در گستره جغرافیایی ایران، تا چه اندازه مرهون کنشگری نیروهای محلی و رهبری‌های بومی بوده است.

پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، تاکنون پژوهش مستقلی که به‌طور خاص به نقش رهبری دینی و سیاسی آیت‌الله ملک‌حسینی در جهت‌دهی ایلات و عشایر استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد در تحقق انقلاب اسلامی بپردازد، صورت نگرفته است. مطالعات پیشین درباره نقش روحانیت در فرایند پیروزی انقلاب، عمدتاً به بررسی کلی حضور روحانیون در این مسیر پرداخته و کمتر به تحلیل موردی و عمیق شخصیت‌ها و مناطق خاص توجه داشته‌اند. آثاری که در خصوص آیت‌الله ملک‌حسینی تاکنون چاپ و نوشته شده به شرح زیر است.

کتاب «دردانه» زندگی‌نامه مرحوم آیت‌الله ملک‌حسینی با تلاش سید علی موسوی‌نژاد سوق تألیف و در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسید. این کتاب در ۵۰۰ صفحه روزشمار زندگی نماینده سابق ولی فقیه در استان کهگیلویه از سال ۱۳۴۲، اعم از مبارزات سیاسی و فعالیت‌های دینی قبل و بعد از انقلاب و خدمات ایشان، را شرح داده شده است. برای نوشتن این کتاب ۴۰۰ سند جمع‌آوری شده که شامل ۸ فصل از ابعاد مختلف زندگی آیت‌الله ملک‌حسینی است. کتابچه «سرو سایه‌فکن» ویژه اولین کنگره فقید مجاهد آیت‌الله سیدکرامت‌الله ملک‌حسینی، در مرکز حوزه هنری استان کهگیلویه و بویراحمد در ۲۸ صفحه به شرح زندگی و مختصری از فعالیت‌های ایشان در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است.

مقاله «نگاهی اجمالی به مبارزات سیاسی آیت‌الله ملک‌حسینی با حکومت پهلوی دوم» از کشواد سیاهپور که برای اولین کنگره ملی بزرگداشت آیت‌الله سید کرامت‌الله ملک‌حسینی (ره) در یاسوج نوشته شده است. این مقاله مربوط به مبارزات آیت‌الله ملک‌حسینی در دوران حکومت پهلوی با استفاده از اسناد و منابع تاریخی تألیف شده است. مقاله «مبارزات سیاسی آیت‌الله ملک‌حسینی ره علیه پهلوی دوم» از هدایت نادریان، علی‌اصغر رومینا، نجمه پورمظفر و عظیمه صدری برای اولین کنگره ملی بزرگداشت آیت‌الله سید کرامت‌الله ملک‌حسینی (ره) در یاسوج

که بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای تدوین شده است. مقاله «تحلیلی بر نقش آیت‌الله ملک‌حسینی ره در قیام ایلات و عشایر جنوب کشور» مجید علی پور و نورآفرین نوریان. در اولین کنگره ملی بزرگداشت آیت‌الله سید کرامت‌الله ملک‌حسینی (ره) در یاسوج در این مقاله در این تحقیق از روش سند‌گزینی و مطالعات کتابخانه‌ای برای بررسی موضوع استفاده شده است.

آثار یادشده یا به‌صورت کلی به زندگی‌نامه و شرح خدمات ایشان پرداخته‌اند، یا بر مقطع خاصی از مبارزات سیاسی تمرکز داشته‌اند، یا با رویکرد توصیفی و مبتنی بر گردآوری اسناد، بدون تحلیل عمیق تعامل ساختارهای قبیله‌ای و مشروعیت دینی، موضوع را بررسی کرده‌اند. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی - ترکیبی و اتکا بر منابع محلی و داده‌های میدانی، به دنبال پر کردن این خلأ و ارائه تصویری دقیق‌تر از سازوکارهای رهبری آیت‌الله ملک‌حسینی در بستر اجتماعی - سیاسی عشایر منطقه است. این پژوهش با تمرکز بر نقش رهبری دینی و سیاسی آیت‌الله ملک‌حسینی در جهت‌دهی عشایر کهگیلویه و بویراحمد در انقلاب اسلامی، از نخستین تحقیقات منسجم در این حوزه به شمار می‌آید. بررسی جامع و مستند این موضوع، به‌ویژه بر پایه منابع محلی و اسناد دست‌اول، تاکنون در آثار علمی پیشین انجام نشده است و از این رو، یافته‌های آن واجد تازگی و نوآوری است.

زندگی‌نامه اجمالی آیت‌الله سید کرامت‌الله ملک‌حسینی

آیت‌الله سید کرامت‌الله ملک‌حسینی در مهرماه ۱۳۰۳ شمسی در شهرستان بویراحمد متولد شد. بنا به نوشته خود، سلسله نسب ایشان به میرسید ملک حسین می‌رسد که در عصر شاه‌طهماسب صفوی زندگی می‌کرد، (جمال سیرت، ۱۳۹۲: ۱) دوره کودکی را در زادگاهش روستای گوشه امامزاده شاه قاسم گذراند. پدر ایشان سید صدرالدین ملک‌حسینی دارای جایگاه ممتازی در منطقه بود و مترتب بر آن نظامیان و نمایندگان دولت مرکزی در منطقه (دوره رضاشاه) برای ایشان احترام قائل بودند. دوران ابتدایی را در مدرسه تل خسرو سپری کرد. سال ۱۳۱۵ برای ادامه تحصیل به شیراز مهاجرت و تا متوسطه ادامه داده و همواره شاگرد ممتاز مدرسه بود. بنا به نوشته خود، سال ۱۳۱۹ به‌خاطر علاقه به علوم دینی وارد مدرسه منصوریه شیراز شد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. سال ۱۳۲۴ شمسی به شهر قم عزیمت و در محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم به تلمذ پرداختند. آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله سید محمد محقق داماد، امام خمینی، آیت‌الله حجت

کوه کمری، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله اراکی از جمله اساتیدی بودند که آیت‌الله ملک‌حسینی در درس آنها حاضر می‌شد (همان: ۳). پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، مرجع فقیه شیعیان جهان، آیت‌الله ملک‌حسینی به شیراز بازگشت و در مدرسه علمیه خان - که روزگاری محل تدریس ملاصدرا بود - به تدریس طلاب علوم دینی پرداخت. او که پیش از سال ۱۳۴۰ به عنوان استاد و عالم دینی وارد این مدرسه شده بود، اندکی بعد مدیریت آن را نیز برعهده گرفت و تا پایان عمر، مسئولیت و استادی این حوزه علمیه معتبر را حفظ کرد (سیاهپور، ۱۳۹۶: ۲).

علاوه بر آن در شهر یاسوج مدرسه علمیه علی بن موسی‌الرضا را تأسیس کرد. بسیج و اعزام طلاب به روستاهای شهرستان‌های دو استان فارس و کهگیلویه و بویراحمد جهت ارشاد و هدایت مردم از دیگر اقدامات ماندگار و مؤثر ایشان در طول حضور و استقرار در مدرسه علمیه خان شیراز بود؛ اما تربیت طلاب و شاگردان بسیار در دو استان فارس و کهگیلویه و بویراحمد اساسی‌ترین کار و اقدام عملی و ماندگار ایشان بود. آیت‌الله ملک‌حسینی با سابقه مبارزاتی درخشان علیه حکومت پهلوی و نفوذ گسترده در میان ایلات منطقه و مهم‌تر از همه، عالمی وارسته و مجاهدی خستگی‌ناپذیر، از سوی حضرت امام خمینی در استان کهگیلویه و بویراحمد، نماینده ولی‌فقیه شد. ایشان به دلیل محبوبیت گسترده در میان مردم، به عنوان نماینده مردم در مجلس خبرگان رهبری حضور داشت و این دو مسئولیت مهم را تا پایان عمر پربرکت خود عهده‌دار بودند. وی پس از عمری مبارزه مجاهدانه و عالمانه در جهت هدایت مردم و نشر ارزش‌های دینی و بخصوص شیعه اثنی عشری و مبارزه سیاسی جهت استقرار حکومت اسلامی، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۱۲ جان به جان‌آفرین تسلیم و در امام‌زاده شاه قاسم شهرستان بویراحمد به خاک سپرده شد. (همان: ۶).

آغاز مسیر مبارزه آیت‌الله ملک‌حسینی

آیت‌الله ملک‌حسینی در کنار شهرت علمی و برخورداری از جایگاه علمی برجسته در سطح حوزه‌های علمیه کشور، پیش‌قدم در مبارزه سیاسی و تلاش مجاهدانه و خستگی‌ناپذیر علیه حکومت پهلوی بود. آن‌گونه که خود می‌نویسد، از همان آغاز ورود به حوزه علمیه قم نسبت به اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه ایران بی‌تفاوت نبود و افراد و اساتیدی چون؛ آیت‌الله کاشانی،

آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، آیت‌الله سید اسماعیل مهدوی دشتستانی و مهم‌تر از همه امام خمینی (ره) در شکل‌گیری شخصیت سیاسی و اجتماعی‌اش اثرگذار بودند. با شروع قیام امام خمینی در مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ به همراه عده‌ای از علماء اعلام حمایت کرده و عده‌ای از اهل منبر را تشویق کرد تا به امام خمینی تلگراف بفرستند و موافقت خود را با ایشان اعلام کنند (جمال سیرت: ۷).

آیت‌الله ملک‌حسینی به نقل از خاطرات خود بیان می‌کند که در آستانه سال نو ۱۳۴۲، از شیراز عازم قم شد و در واقعه یورش مأموران حکومت پهلوی به مدرسه فیضیه، هدف ضرب و شتم قرار گرفت. او روایت می‌کند: «رنجرها با میله‌های آهنی کوتاه و چوب‌هایی که در دست داشتند، به روحانیون حمله‌ور شدند. یکی از آنها به‌سوی من هجوم آورد و با ضربه بکس و رینگ، به صورتم کوبید؛ شدت ضربه به حدی بود که چند دندان سمت چپ فکم آسیب دید و سه رشته خون، فواره‌وار بر زمین جاری شد» (همان). پس از قیام پانزده خرداد و سرکوب خشن مردم و دستگیری شاگردان امام خمینی توسط رژیم پهلوی، آیت‌الله ملک‌حسینی نیز تحت تعقیب ساواک قرار گرفت و ناچار به فرار شد. دوران متواری بودن او نزدیک به نه ماه به طول انجامید؛ بخشی از این مدت را در قم، بخشی را در تهران و حدود یک ماه را نیز در مشهد سپری کرد. در این دوران، ملک‌حسینی یکی از روحانیونی بود که همواره با رهبر نهضت اسلامی، چه در ایران و چه در عراق، در ارتباط بود (جمال سیرت: ۸).

فردای حادثه کشتار مدرسه فیضیه، با سروصورت زخمی به ملاقات امام خمینی رفت و چون ایشان را دید، بسیار ناراحت و متأثر شد و جویای حال دیگر روحانیون مصدوم این هجوم وحشیانه شد. بعد از این ملاقات برای فرار از دست مأموران ساواک فراری و بعد از حدود نه ماه به شیراز برگشتند. ایشان ضمن گزارش موقوف به علما و روحانیون فارس، مصمم و استوار دیگران را در جهت آگاهی و روشنگری مردم نسبت به برنامه‌های ضددینی حکومت دعوت کردند. وی در همراهی با نهضت امام خمینی باور عمیق داشت و بعد از این حوادث گام‌های مؤثر و استوار برداشت. به استناد اسناد و مدارک موجود، از همان آغاز مبارزه علیه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و به دنبال آن لوایح شش‌گانه، وی با نهضت امام خمینی همراهی داشت. این همکاری تا پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن، استمرار داشته است. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مراسان: ۷). البته باید این نکته را متذکر شد که قبل از نهفت امام خمینی، با مبارزینی چون نواب

صفوی و عبدالحسین واحدی ارتباط داشت و خود می‌گوید که با شهید نواب صفوی، آن عنصر پر روحیه و بی‌همتا و مرحوم شهید عبدالحسین واحدی در قم ارتباط مختصری داشتم. سال ۱۳۴۳ به دنبال فعالیت‌های آگاهی‌بخش و انقلابی در مناطقی از استان فارس، بخصوص شهرستان مرودشت، توسط استاندار فارس به جلسه شورای تأمین استان احضار و مورد بازخواست قرار گرفت. بنا به نوشته خود، رفتار استاندار وقت جناب پیرنیا با ایشان مناسب بود؛ اما رفتار فرمانده ژاندارمری به نام تیمسار منصور اردوبادی، نامناسب بود و اصرار به تبعید وی داشت. با وجود این‌گونه رفتارها و فشارها آیت‌الله ملک‌حسینی به مسیر و راه انتخاب شده خود تداوم بخشید و مصائب بسیاری را متحمل شد (جمال سیرت: ۸).

ورود به عرصه مبارزه سیاسی و انقلابی علیه حکومت پهلوی

مبارزات انقلابی روحانیون و مخالفان حکومت پهلوی در مناطق مختلف ایران، متناسب با ساختار اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی هر منطقه، شیوه‌های متفاوتی به خود می‌گرفت. در استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد که ساختار ایلی و عشایری بر زندگی مردم حاکم بود، کنش سیاسی نیازمند شناخت عمیق از فرهنگ و ویژگی‌های محلی بود. آیت‌الله ملک‌حسینی که خود زاده جامعه‌ای عشایری بود، به‌خوبی با روحیه حماسی، ساختار اجتماعی ایلات و شیوه تأثیرگذاری بر آنان آشنا بود و مبارزات خود را بر همین اساس سامان می‌داد. او بعدها در این باره می‌نویسد که مهم‌ترین روش مبارزاتی‌ام، ارشاد و روشن‌ساختن اذهان مردم بود (همان: ۸). پایگاه اصلی فعالیت‌های انقلابی ایشان، مدرسه علمیه خان در شهر شیراز بود. مکانی که به تعبیر وی، مقرر تدریس و مرکز و مستقر مبارزه بر ضد حاکمیت طاغوت بود. شاید هفته‌ای نبود که اضطراب و درگیری با آقایان طلاب حوزه چه در شیراز و چه در نواحی آن انجام نگیرد» (مراسان: ۱۷). به نظر می‌رسد اهمیت این مدرسه در پیشبرد مبارزه تا آنجا بود که در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم پهلوی اقدام به سلب مدیریت آن از آیت‌الله ملک‌حسینی و واگذاری آن به دکتر حسین نصر، رئیس دفتر فرح پهلوی کرد. براساس اسناد موجود، یکی از شیوه‌های مبارزاتی آیت‌الله ملک‌حسینی، سفرهای تبلیغی-سیاسی به مناطق مختلف و روشنگری مردم و ارتباط مستقیم با مبارزان محلی بوده است. در این راستا، وی به شهرستان کهگیلویه سفر می‌کرد و با اقشار مختلف مردم دیدار داشته است (مراسان: ۱۶) و در سفرهای متعدد خود به

شهرستان بوییر احمد همانند سفرهای پیشین، با گروه‌های مختلف مردمی دیدار و گفتگو می‌کرد و ضمن ارائه رهنمودهایی، بر اتحاد و همبستگی میان مردم تأکید داشت (مراسان: ۲). گستره نفوذ اجتماعی و دینی آیت‌الله ملک‌حسینی که استان‌های فارس، کهگیلویه و بویراحمد و دیگر مناطق جنوب کشور را دربرمی‌گرفت، موجبات نگرانی نهادهای حکومتی و امنیتی را فراهم آورده بود. از این‌رو، ساواک در بسیاری از موارد به‌صورت شبانه‌روزی تحرکات وی را تحت مراقبت قرار می‌داد. این سطح از پیگیری و حساسیت دستگاه امنیتی، خود حاکی از آن است که شیوه مبارزاتی آیت‌الله ملک‌حسینی چنان سازمان‌یافته و منسجم بود که نیروهای ساواک را با سردرگمی و نگرانی مواجه می‌ساخت، به‌طوری‌که ساواک از وی به‌عنوان روحانی افراطی مقیم شیراز که باید تحت مراقبت ویژه قرار گیرد (مراسان: ۳) و رفتار و اعمال ایشان به‌صورت مداوم گزارش شود، یاد می‌کرد (مراسان: ۴). علاوه بر آن، سازمان امنیت و اطلاعات کشور از استقبال گرم طلاب شیراز بعد از بازگشت وی از سفرهای تبلیغی بسیار بیمناک بود و مکرر در اسناد خود، این نگرانی را منعکس می‌کرد. (مراسان: ۵).

بر پایه گزارش شماره ۴۱۷/هـ مورخ ۱۳۴۸/۰۲/۱۲، آیت‌الله ملک‌حسینی در تاریخ ۱۳۴۸/۰۳/۱۲ در جریان سفری به شهرهای بهبهان و گچساران، با طیف گسترده‌ای از افراد مذهبی، فرهنگیان و کارکنان شرکت نفت دیدار و گفت‌وگو داشته است. ازجمله افراد برجسته‌ای که در گچساران با ایشان دیدار کردند، می‌توان به دو چهره فعال مبارزاتی، موسی بلادیان و محمد زید بهبهانی اشاره کرد (مراسان: ۶؛ بهبهانی، ۱۳۹۱/۱: ۱۹۲). این گزارش بیانگر ارتباط فعال و گسترده آیت‌الله ملک‌حسینی با مبارزان و انقلابیون محلی است؛ ارتباطی که با توجه به حوادث سال‌های بعد و نقش‌آفرینی افرادی چون زید بهبهانی و بلادیان، از اهمیت مضاعفی برخوردار شد و دستگاه‌های امنیتی رژیم را به افزایش سطح مراقبت و نظارت بر تحرکات وی واداشت.

در گزارش تفصیلی ساواک به تاریخ ۱۳۴۹/۰۳/۲۸، ضمن مروری بر سوابق مبارزاتی آیت‌الله ملک‌حسینی، بر شدت مخالفت وی با رژیم پهلوی تأکید شده و به‌صراحت درخواست می‌شود که ایشان به مدت یک ماه، به‌صورت شبانه‌روزی و ۲۴ ساعته، توسط یک تیم ویژه تحت مراقبت کامل قرار گیرد. در توجیه این اقدام آمده است: «... امکان دارد مشارالیه اقدامات حادی انجام و موجبات تحریک اذهان روحانیون شیراز را فراهم نماید» (مراسان: ۷). در پی این درخواست، از تاریخ ۱۳۴۹/۰۴/۰۴ تیمی ویژه به‌طور تمام‌وقت، وی را تحت تعقیب و مراقبت

قرار داده و گزارش‌های ساعتی از اعمال و رفتارشان تهیه می‌کردند (مراسان: ۸). گزارش شماره ۷۰۴۸/هـ مورخ ۱۳۵۰/۰۲/۰۲ به‌صراحت به فعالیت‌های پنهان و گسترده آیت‌الله ملک‌حسینی اشاره شده است. در این سند، رفت‌وآمدهای مشکوک و مظنون از منزل سید کرامت‌الله ملک‌حسینی و همچنین تعدادی از اوراق و کتب کشف‌شده از منزل ایشان، نشانه‌هایی از مبارزه سازمان‌یافته، خستگی‌ناپذیر و شجاعانه وی علیه رژیم پهلوی معرفی شده‌اند (مراسان: ۹). در گزارش ۱۳۵۰/۰۳/۲۷، جزئیات بیشتری از بازرسی‌های امنیتی ارائه شده است. طبق این سند، از منزل آیت‌الله ملک‌حسینی دو جلد کتاب رساله، کتاب مطهرات در اسلام نوشته مهندس مهدی بازرگان، کتاب جهاد و شهادت تألیف سید محمود طالقانی و یک جلد کتاب نابسامانی‌های اسلام به‌همراه تعدادی از آثار و تألیفات امام خمینی (ره) کشف و ضبط گردیده است. همچنین براساس همین گزارش، از محل کار ایشان در مدرسه علمیه خان شیراز، تعدادی کتاب، دو برگ اعلامیه حاوی پیام قائد بزرگ اسلام امام خمینی به زائران خانه خدا و دیگر یادداشت‌هایی به دست آمده است. این گزارش تصریح می‌کند که در زمان بازرسی از منزل و محل کار، آیت‌الله ملک‌حسینی در شهر دو گنبدان (گچساران) حضور داشته است (مراسان: ۱۰).

عوامل حکومت پهلوی و دستگاه امنیتی آن، به‌ویژه ساواک، که از اقدامات انقلابی، روشنگرانه و هوشمندانه آیت‌الله ملک‌حسینی دچار سردرگمی و ناتوانی شده بودند، به‌دنبال بهانه‌ها و دستاویزهایی می‌گشتند تا بتوانند حرکت‌های انقلابی وی را متوقف یا تضعیف کنند. در همین راستا، یکی از اسناد ساواک، صراحتاً به مأموران امنیتی توصیه می‌کند تا مدارک مستند و غیرقابل انکاری درباره آنچه «سوءاستفاده از وجوهات شرعی» می‌نامد، علیه آیت‌الله ملک‌حسینی گردآوری کنند (مراسان: ۱۱). بدیهی است که کارگزاران رژیم پهلوی به‌خوبی واقف بودند که علما و مجتهدان مبارزی چون آیت‌الله ملک‌حسینی، وجوهات شرعی را در مسیرهای مشروع و اهداف دینی، فرهنگی و حتی اجتماعی هزینه می‌کنند. با این حال، هدف اصلی از تهیه چنین گزارش‌هایی، القای این شائبه در میان اقشار مذهبی و متدین جامعه بود که این وجوهات در راه مبارزه با حکومت خرج می‌شود؛ تلاشی خزنه برای ضربه زدن به جایگاه شرعی و اجتماعی وی و منصرف کردن افراد بی‌تفاوت یا محتاط از پرداخت وجوه شرعی به ایشان.

باوجوداین، آیت‌الله ملک‌حسینی که در زمره روحانیون مجاهد، فداکار و خستگی‌ناپذیر قرار داشت، هیچ‌گاه تحت تأثیر این فشارها و فضا سازی‌ها قرار نگرفت و بی‌اعتنا به توطئه‌های رژیم،

با اتکای کامل به تکلیف الهی خود و باور عمیق به آرمان‌های نهضت، مسیر انقلابی خویش را ادامه داد؛ حتی پس از تبعید امام خمینی (ره) به خارج از کشور، لحظه‌ای از راهی که برگزیده بود، عدول نکرد و با یاد و نام امام، مردم را به مخالفت با نظام سلطنتی و همراهی با آرمان‌های انقلاب اسلامی فراخواند. در گزارش شماره ۱۳۳۵۸/هـ مورخ ۱۳/۰۸/۱۳۵۴ با موضوع «طرفداران خمینی»، از آیت‌الله ملک‌حسینی به‌عنوان یکی از حامیان ثابت‌قدم و پرنفوذ امام خمینی یاد شده است. این سند امنیتی، بر ضرورت «مراقبت پیوسته و کنترل کامل بر اعمال و رفتار مشارالیه» تأکید می‌ورزد (مراسان: ۱۲).

شواهد نشان می‌دهد که این فعالیت‌های انقلابی تنها به فضای حوزه علمیه محدود نمی‌شد، بلکه به‌صورت سازمان‌یافته به مناطق روستایی و عشایری نیز گسترش یافته بود. در گزارش فروردین ماه سال ۱۳۵۵ ساواک، آمده است که آیت‌الله ملک‌حسینی، در جایگاه سرپرست طلاب مدرسه علمیه خان، به طلاب خود توصیه می‌کند که هنگام اعزام به روستاها برای تبلیغ دینی، رساله امام خمینی را همراه خود ببرند و ضمن تبلیغ برای ایشان، مردم را از ماهیت خاندان سلطنتی آگاه سازند و در صورت لزوم، به افشای ماهیت ضداسلامی و استبدادی حکومت نیز بپردازند (مراسان: ۱۳). این اسناد گواه روشنی است که آیت‌الله ملک‌حسینی نه‌تنها در فضای حوزه و مراکز علمی، بلکه در سطح گسترده‌تری از جامعه، به‌ویژه در میان اقشار مذهبی و عشایری، رهبری فکری و انقلابی را بر عهده داشته و دستگاه امنیتی پهلوی را به واکنش‌های مستأصلانه واداشته بود.

یکی دیگر از شیوه‌های بارز و مؤثر در مبارزات سیاسی آیت‌الله ملک‌حسینی، جلوگیری قاطع از هرگونه همکاری و همراهی طلاب و روحانیون با نهادهای حکومتی پهلوی بود. ایشان بر این باور بود که هر نوع مشارکت در برنامه‌ها یا ساختارهای وابسته به حکومت، به‌ویژه در قالب فعالیت‌های ظاهراً مذهبی؛ اما تحت نظارت دولت، به معنای مشروعیت‌بخشی به یک نظام طاغوتی و ضد دینی است. اسناد متعدد ساواک این واقعیت را تأیید می‌کنند که وی، در راستای مبارزه همه‌جانبه علیه رژیم پهلوی، صراحتاً با همکاری طلاب با نهادهایی چون اداره اوقاف مخالفت کرده است و آن را نه‌تنها اقدامی سیاسی، بلکه واجد حکم فقهی و شرعی دانسته است. در گزارش شماره ۱۳۵۲۳/هـ مورخ ۲۹/۰۹/۱۳۴۸ آمده است که آیت‌الله ملک‌حسینی نسبت به برخی از طلاب و روحانیونی که در کلاس‌های مروجین دینی اداره اوقاف فارس ثبت‌نام کرده بودند، به‌شدت واکنش نشان داده و خطاب به آنان گفته است: «شما خائن هستید، نان امام زمان

را می‌خورید و خیانت هم می‌کنید. پولی که از آن اداره می‌خواهید بگیرید، حرام است» (مراسان: ۱۴). این موضع‌گیری تند و بی‌پرده، نشانگر آن است که از منظر ایشان، همکاری با حکومت نه تنها بی‌فایده و غیرموجه، بلکه عملی صریحاً حرام و برخلاف اصول دینی و انقلابی تلقی می‌شده است.

تحلیل این گزارش و دیگر اسناد مشابه، حاکی از آن است که آیت‌الله ملک‌حسینی در مسیر مبارزه با رژیم پهلوی، هیچ‌گونه ملاحظه‌کاری، مصلحت‌اندیشی سیاسی یا محافظه‌کاری فقهی را روا نمی‌دانست. ایشان مبارزه با رژیم را وظیفه‌ای الهی و آشکار می‌دانست که باید بدون پرده‌پوشی و با صراحت کامل در عرصه عمومی دنبال شود. در همین راستا، براساس سند شماره ۵۴-۸-۳۳۲ مورخ ۱۳۴۹/۰۳/۱۷، گزارش شده است که آیت‌الله ملک‌حسینی در هر فرصت ممکن، در محافل عمومی و خصوصی، به تبلیغ در حمایت از استاد اعظم خود، خمینی کبیر می‌پرداخت و صراحتاً مردم را به پشتیبانی از ایشان و مخالفت با رژیم سلطنتی دعوت می‌کرد (مراسان: ۱۵). این سند، نه تنها تأکیدی است بر پیوند عمیق فکری و عقیدتی میان آیت‌الله ملک‌حسینی و امام خمینی، بلکه گواهی دیگر بر استمرار مبارزه علنی و گسترده ایشان در تمام عرصه‌هاست؛ مبارزه‌ای که شجاعانه، بدون ملاحظه‌کاری و بر پایه تکلیف‌گرایی دینی و انقلابی هدایت می‌شد.

یکی دیگر از روش‌های مؤثر و مبتکرانه آیت‌الله ملک‌حسینی در مبارزه با حکومت پهلوی، بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت اجتماعی و نفوذ معنوی خود در میان بازاریان متدین منطقه بود. ایشان که خود را مقید به اجرای احکام دین و وظایف شرعی می‌دانست، در عمل نیز هیچ‌گاه ملاحظه‌کاری نکرد و در راستای تحقق اصول اسلامی، از هیچ تلاشی فروگذار نبود. برخلاف بسیاری از شخصیت‌های مذهبی که گاه به دلایل سیاسی یا اجتماعی دچار مصلحت‌اندیشی می‌شدند، آیت‌الله ملک‌حسینی با صراحت و قاطعیت، اجرای احکام شرعی را وظیفه‌ای بی‌چون‌وچرا می‌دانست. بر اساس گزارش شماره ۲۶۷۵/هـ مورخ ۱۳۵۶/۰۸/۱۰، ایشان با صراحت از بازاریان یاسوج درخواست می‌کند که مانع از بازگشایی مغازه‌ای شوند که به فروش مشروبات الکلی اختصاص یافته بود (مراسان: ۱۶). این اقدام، گرچه در چارچوب وظایف دینی و اجتماعی ایشان قابل تفسیر است؛ اما در فضای اختناق‌آمیز رژیم پهلوی، به مثابه اقدامی سیاسی و ضدحاکمیتی تلقی شده که با واکنش تند و خشم‌آلود دستگاه امنیتی همراه شد به دنبال

درخواست آیت‌الله ملک‌حسینی از بازاریان، ساواک استان کهگیلویه و بویراحمد طی نامه شماره ۲۸۳۷/هـ مورخ ۱۳۵۶/۰۸/۳۰ خطاب به ساواک فارس، خواستار احضار آیت‌الله ملک‌حسینی و الزام وی به مراجعه فوری در ساعات اداری به این سازمان شد (مراسان: ۱۸). این واکنش تند، به‌خوبی نشان‌دهنده حساسیت حکومت نسبت به قدرت اجتماعی و مذهبی ایشان و تأثیرگذاری بی‌واسطه وی بر بدنه متدین جامعه محلی است همچنین، در گزارش شماره ۱۰۱۶۸/هـ مورخ ۱۳۵۵/۰۲/۰۱، از اقدام جمعی آیت‌الله ملک‌حسینی به‌همراه روحانیون برجسته‌ای چون شیخ بهاءالدین محلاتی و شیخ مجدالدین محلاتی یاد می‌شود که در واکنش به قتل مشکوک آیت‌الله شمس‌آبادی و به‌منظور ابراز احترام به مقام علما، برای مدتی از تدریس در حوزه علمیه خودداری کرده‌اند. در ادامه این گزارش، آیت‌الله ملک‌حسینی به‌عنوان یکی از «افراد متعصب و افراطی طرفدار خمینی» معرفی شده که به‌دلیل مواضع انقلابی‌اش در فهرست افراد تحت مراقبت ویژه قرار گرفته بود (مراسان: ۱۹). این اسناد، مؤید آن است که آیت‌الله ملک‌حسینی، هم در بعد دینی و هم در بعد اجتماعی، با شهادت و صراحت تمام، در برابر مفاسد اخلاقی و سیاسی حکومت ایستادگی می‌کرد و در این مسیر، از ظرفیت اقشار مؤثر جامعه، مانند بازاریان، بهره می‌گرفت تا علاوه بر مبارزه فرهنگی و دینی، مبارزه‌ای ساختارمند و ریشه‌ای با رژیم پهلوی را سامان دهد.

هدایت‌گری انقلابی و نقش میدانی آیت‌الله ملک‌حسینی در تحولات سال ۱۳۵۷

سال ۱۳۵۷، سالی سرنوشت‌ساز و نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران بود که اوج حرکت‌های انقلابی را به سوی پیروزی و تحقق اهداف انقلاب اسلامی رقم زد. در ماه‌های منتهی به پیروزی این انقلاب، رژیم پهلوی با درک تهدید قریب‌الوقوع فروپاشی و از دست دادن قدرت خود، فشارها و سرکوب‌های خود را علیه مبارزان و فعالان انقلابی تشدید کرد. در این دوره، دولت پهلوی با طراحی و اجرای برنامه‌های متنوع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تلاش می‌کرد افکار عمومی را فریب داده و انسجام حرکت‌های انقلابی را کاهش دهد. همزمان، اقدامات گسترده‌ای برای سرکوب رهبران و فعالان انقلاب، ایجاد رعب و وحشت و استقرار حکومت نظامی در سراسر کشور به اجرا درآمد. در چنین شرایطی، آیت‌الله کرامت‌الله ملک‌حسینی به‌عنوان یکی از مبارزان خستگی‌ناپذیر و مدیران هوشمند جریان انقلابی، فعالیت‌ها و تلاش‌های خود را برای

آگاهی‌بخشی به مردم و تبیین ضرورت پیروزی انقلاب افزایش داد. وی با بهره‌گیری از جایگاه اجتماعی و دینی خود، مردم را به امیدواری نسبت به سرنگونی رژیم پهلوی و آینده‌ای بهتر دعوت می‌کرد و با شجاعت تمام پیام‌های روشنگرانه‌ای را منتشر می‌ساخت. در اعلامیه مفصل صادر شده توسط آیت‌الله ملک‌حسینی در تاریخ ۱۳۵۷/۰۸/۱۲، ایشان ضمن تأکید بر علاقه و ارادت عمیق اقشار مختلف مردم به اسلام، مذهب تشیع و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، از جموع نفوس و همه قبایل و طوایف خواستار هوشیاری و بیداری هر چه بیشتر نسبت به تحولات سیاسی کشور شد. ایشان با نگرشی ملی و مذهبی، مخاطبان خود را به دقت در مشاهده وقایع و پرهیز از هرگونه اقدام رزمی یا مشابه فراخواند تا از ایجاد هرگونه اغتشاش و خشونت جلوگیری شود. همچنین در این اعلامیه، به برخی تحرکات و تبلیغات نادرست در خصوص برخی ایلات و عشایر اشاره شده و با تأکید قاطع اعلام گردید که هرگونه حرکتی برخلاف مسیر مشروع ملت و اهداف والای جامعه روحانیت که مطابق با خواسته و هدف حضرت آیت‌الله العظمی خمینی (دامت برکاته) است، به منزله مخالفت با دین مقدس اسلام و زیان‌رسانی به مذهب و هویت ملی تلقی خواهد شد. (مراسان: ۲۰). این بیانیه نشانگر رویکرد عقلانی و واقع‌بینانه آیت‌الله ملک‌حسینی در مدیریت حساسیت‌های اجتماعی و حفظ انسجام و وحدت در شرایط پرتنش انقلاب بود این موضع‌گیری حکایت از توانایی ایشان در حفظ تعادل میان انگیزه‌های انقلابی و ضرورت پرهیز از خشونت کور دارد که می‌تواند به‌عنوان یکی از شاخصه‌های مهم رهبری انقلابی مؤثر در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی تلقی گردد. به این ترتیب، نقش آیت‌الله ملک‌حسینی نه تنها در جلب حمایت اقشار مختلف و بسیج آنان برای پیروزی انقلاب، بلکه در حفظ ثبات اجتماعی و هدایت درست انرژی‌های انقلابی در مسیر معقول و مشروع نیز برجسته و قابل تأمل است. در جریان قیام و راهپیمایی مردم گچساران در نوزدهم آبان ماه ۱۳۵۷ که با سرکوب خونین و کشتار تظاهرکنندگان بی‌دفاع همراه شد، آیت‌الله کرامت‌الله ملک‌حسینی واکنش شدید و پرشوری را نشان داد. ایشان در بیانیه‌های خود، ضمن تشریح جزئیات این حادثه، عاملان و بانیان این جنایت را جلادان خون‌آشام خواند که از هیچ رحم و دلسوزی برخوردار نیستند. کشته‌شدگان مسجد شهیدان گچساران را جوانانی دانست که بهترین سرمایه و امید آینده کشور بودند و باید در مسیر مقابله با نیروهای ظلم و کفر به کار گرفته می‌شدند (جمال سیرت: ۶). اوج مقاومت و مبارزه آیت‌الله ملک‌حسینی در مقابل رژیم پهلوی در عید غدیر خم همان

سال به وقوع پیوست که به «حادثه مسجد حبیب شیراز» معروف است. براساس گفته خود ایشان، در آن روز اعلامیه‌ای صادر کردند و مردم را دعوت کردند تا ابتدا در مسجد حبیب گرد آیند و پس از آن، به قصد تبریک و تهنیت راهی امامزاده احمد بن موسی شاهچراغ شوند. با وجود اعلام حکومت نظامی، نیروهای نظامی به فرماندهی سرهنگ عطاءالله قاسمی، به شدت در برابر مردم و طلاب حاضر در مسجد برخورد کردند. در نتیجه این درگیری‌ها، سه نفر شهید و تعدادی مجروح شدند و آیت‌الله ملک‌حسینی نیز دستگیر و به زندان عادل‌آباد منتقل گردید (مراسان: ۲۱). بر اساس گزارش محرمانه سازمان اطلاعات و امنیت استان فارس به تاریخ ۱۳۵۷/۰۸/۲۹، آیت‌الله ملک‌حسینی به‌عنوان یکی از روحانیون مخالف و محرک اصلی در حادثه ۱۳۵۷/۰۸/۲۸ مسجد حبیب شناخته شده است. این گزارش، وی را عامل اصلی تجمع مردم در مسجد حبیب و نقض قانون حکومت نظامی معرفی کرده و خواستار تعقیب و اتخاذ تدابیر قانونی علیه ایشان شده است (مراسان: ۲۱).

بازتاب وسیع خبر حادثه مسجد حبیب و به‌ویژه بازداشت آیت‌الله کرامت‌الله ملک‌حسینی در استان کهگیلویه و بویراحمد، نشان‌دهنده نفوذ عمیق و محبوبیت گسترده ایشان در میان مردم منطقه بود. این محبوبیت و تأثیرگذاری باعث شد که اقشار مختلف مردم به ویژه گروه‌های فعال و روحانیون در استان، واکنش‌های شدید و گسترده‌ای نسبت به اقدامات سرکوبگرانه حکومت پهلوی از خود نشان دهند. این واکنش‌ها شامل راهپیمایی‌ها و اعتراضات فراوانی بود که همزمان با اعلام آمادگی گروه‌های مختلف برای حرکت به سوی شیراز و شرکت در فعالیت‌های ضد حکومتی همراه شد. بر اساس گزارش شماره ۱۳۱۲۵/هـ مورخ ۱۳۵۷/۰۸/۳۰ سازمان اطلاعات و امنیت کشور، یکی از طلاب به نام سید حسنعلی ضمن تماس با منزل آقای شریعتی در بهبهان، وقوع حادثه مسجد حبیب را اطلاع داده بود. وی همچنین با سید ابراهیم ملک‌حسینی، برادر آیت‌الله ملک‌حسینی، تماس گرفته و جزئیات حادثه را گزارش و تأکید کرد که این خبر باید به تمامی مردم استان اطلاع‌رسانی شود. در ادامه این گزارش آمده است که «مدرسه امیرالمؤمنین» که زیر نظر کرامت‌الله ملک‌حسینی اداره می‌شود، به‌عنوان مرکزی برای تجمع شمار زیادی از طلاب افراطی شناخته شده است. این طلاب که اکثراً از اهالی کهگیلویه، بویراحمد و بهبهان بودند، آماده فعالیت و مقابله با رژیم پهلوی می‌باشند (مراسان: ۲۳). همچنین، بر اساس گزارش شماره ۴۱۲۵/هـ مورخ ۱۳۵۷/۰۹/۱۳، همزمان با اعتراضات گسترده علیه حکومت، جمعی از

اهالی بویراحمد، طی ارسال تلگراف‌های رسمی به مقامات عالی‌رتبه کشور، خواستار رفع محدودیت‌ها و فشارهای اعمال‌شده بر آیت‌الله ملک‌حسینی شدند. (مراسان: ۲۴). گزارش دیگری از ساواک استان فارس به شماره ۲۱۸۶/هـ مورخ ۱۳۵۷/۰۹/۱۶ موجود هست که حاوی هشدار از جانب مردم شهرستان بویراحمد و شهر یاسوج است که در صورت عدم آزادی آیت‌الله ملک‌حسینی، دست به برگزاری تظاهرات گسترده و ایجاد ناآرامی و اغتشاش خواهند زد (مراسان: ۲۵). این اسناد و گزارش‌ها نشان‌دهنده اهمیت جایگاه آیت‌الله ملک‌حسینی در میان مردم منطقه و تأثیر عمیق وی در بسیج افکار عمومی علیه حکومت پهلوی است. همچنین بازتاب گسترده و واکنش‌های شدید مردمی نسبت به بازداشت وی، موید نقش کلیدی ایشان در تحولات انقلاب اسلامی در استان کهگیلویه و بویراحمد بوده و فشارهای وارد شده از سوی مردم بر حکومت برای آزادی وی، نشانه‌ای از پیوند عمیق میان رهبران روحانی و جامعه محلی در مبارزه با رژیم پهلوی محسوب می‌شود.

دستگیری آیت‌الله ملک‌حسینی ناشی از نقش محوری ایشان در حادثه مسجد حبیب شیراز بود. همچنین اعلامیه شدیداللحن ایشان علیه مأمورین و عمال حکومت پهلوی و اعتراض شدید به کشتار مردم در شهرهای مختلف استان فارس از قبیل؛ زرقان، اردکان و... بود. اعلامیه ایشان در تاریخ ۱۳۵۷/۰۹/۱۲ صادر و در مناطق مختلف استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد توزیع شده بود. وی در بخشی از اعلامیه مذکور تأکید داشتند که تمامی مأمورین و عمال دولت نظامی متذکر باشند که با اینگونه گرفت و گیرها و تخویف و تهدید و ضرب و شتم‌ها نمی‌توانند تغییری در مسیر صحیح دینی و ملی ملت بوجود آورند. ایشان در ادامه ضمن اعلام انزجار شدید نسبت به رفتار عمال حکومتی، تهدید کرده بود که این همه آزار و اذیت و ضرب و زندان نسبت به اهالی اردکان... استان فارس و مخصوصاً استان کهگیلویه و بویراحمد قابل تحمل نیست. ایشان باور داشت که ادامه این عمال وحشیانه عکس العمل‌های بسیار وحشت‌زا و غیر قابل جبران مردم را بدنبال خواهد داشت. (مراسان: ۲۶). آیت‌الله ملک‌حسینی در واکنش به رفتار خشونت‌آمیز حکومت با مردم در مناطق مختلف، طی نامه‌ای به عطا طاهری بویراحمدی و یعقوب غفاری، دو تن از چهره‌های سرشناس بویراحمد، از آنان خواست برای حمایت از مردم اردکان فارس دست به اقدام بزنند. او در این نامه تأکید کرده بود که لازم است این دو نفر با رایزنی و پیگیری، مسئولان استانی و امرای دولتی را متقاعد کنند تا نسبت به رفع حصر،

محدودیت و مزاحمت‌های اعمال‌شده علیه مردم اردکان اقدام نمایند و هشدار دهند که در صورت ادامه این وضعیت، اهالی کهگیلویه و بویراحمد نیز نمی‌توانند بی‌تفاوت بمانند. (جمال سیرت: ۶) بدنبال صدور اعلامیه‌های پی در پی و شدیدالحن آیت‌الله ملک‌حسینی علیه حکومت پهلوی، وی در تاریخ ۱۳۵۷/۰۹/۱۵ دستگیر و روانه زندان عادل آباد شیراز شد. انتشار خبر دستگیری ایشان در میان اهالی کهگیلویه و بویراحمد منجر به واکنش شدید مردم شد. آزادی فوری وی مهم ترین خواسته مردم بود. تلگراف‌های تهدیدآمیز که بزرگان منطقه بویراحمد به تهران، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد و شیراز ارسال شد موجب آزادی وی شد (مراسان: ۲۷). حکومت پهلوی با سابقه ای که از مردم منطقه بویراحمد داشت، اقدام به آزادی ایشان کرد و آیت‌الله نیز بدون هیچ گونه ترس و مصلحت اندیشی، به مبارزه خود علیه حکومت ادامه دادند و لحظه‌ای در این خصوص درنگ نکردند.

یکی از شیوه‌های برجسته مبارزاتی آیت‌الله ملک‌حسینی، صدور اعلامیه‌های مکرر و مستمر علیه حکومت پهلوی بود که در کنار آن به روشنگری و آگاه‌سازی مردم می‌پرداخت. این اعلامیه‌ها، ضمن تشویق و تحسین مجاهدت‌ها و ایثارگری‌های مردم، نقد و سرزنش شدید نسبت به اقدامات سرکوبگرانه و ستمکارانه رژیم را نیز در بر داشت. ایشان در این بیانیه‌ها، ماهیت واقعی و اهداف حکومت پهلوی را به طور شفاف و بی‌پرده برای مردم تشریح می‌کرد. نکته‌ای که ارزش علمی و پژوهشی دارد، نگارش این اعلامیه‌ها با دستخط زیبا و امضای شخصی آیت‌الله ملک‌حسینی بود؛ سپس این متون توسط فعالان انقلابی با همان دستخط و امضا تکثیر و در سطح وسیع توزیع می‌شد. این اقدام ظریف، نشان‌دهنده شجاعت و استقامت بالای وی بود که بدون هیچ ترس و مصلحت‌اندیشی، مستقیماً حکومت را به چالش می‌کشید و در میدان مبارزه ایستادگی می‌کرد. در تاریخ ۲۲ دی ۱۳۵۷، آیت‌الله ملک‌حسینی اعلامیه‌ای صادر کرد که در آن ضمن ستایش و ارج نهادن به مبارزات و فداکاری‌های مردم، صنوف مختلف، ایلات و عشایر استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد، اعلام نمود که حکومت پهلوی در آستانه سقوط و اضمحلال قرار دارد. وی تمامی اقشار و طبقات ملت را به هوشیاری و آمادگی برای مقابله با هرگونه توطئه احتمالی فراخواند. همچنین ارتش را به همکاری و همبستگی با ملت، حفظ استقلال، عزت و آزادی مردم دعوت کرد تا با اتحاد و همبستگی، ریشه ظلم، جنایت و استبداد را برای همیشه براندازند. (محمد مهدی روشنفکر، ۱۳۹۷: ۲۳۸).

نقش کلیدی آیت‌الله ملک‌حسینی در تأمین امنیت و ثبات منطقه

از جمله دستاوردهای اساسی و ماندگار آیت‌الله ملک‌حسینی، نقش برجسته ایشان در حفظ نظم، تأمین آرامش و هدایت سران ایلات کهگیلویه و بویراحمد در راستای همسویی با انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بود. اهمیت این نقش زمانی بیشتر نمایان می‌شود که ساختار اجتماعی-سیاسی حاکم بر ایلات و عشایر آن دوره و شرایط ویژه جامعه در آستانه انقلاب را مد نظر قرار دهیم. هر جنبش و نهضتی پس از گذر از مراحل اولیه موفقیت، ناگزیر با چالش‌های درونی و بیرونی جدیدی مواجه می‌شود. در واقع، پس از هر دگرگونی سیاسی-اجتماعی اساسی، تقسیم‌بندی تازه‌ای میان گروه‌ها و نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرد؛ گروه‌هایی که موافق تغییرات بوده و یا خود موجب آن بوده‌اند، و در مقابل، گروه‌هایی که از وضعیت نوین ناراضی و نگران حفظ منافع خود هستند. استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل ساختار ایلی و سابقه درگیری‌های درون و برون ایلی و همچنین احتمال بازگشت نظام خان‌خانی و ایلخانی، یکی از مناطق حساس و مورد توجه رهبری انقلاب اسلامی پیش و در زمان پیروزی انقلاب بود. حضرت امام خمینی (ره) که در پاریس حضور داشتند، در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۲ با ارسال پیامی به آیت‌الله ملک‌حسینی بر حفظ امنیت و آرامش میان ایلات و عشایر این استان تأکید کردند. یکی از ویژگی‌های بارز جامعه ایلی در آن دوره، حضور طبقه سنتی خاندان‌گان و کدخدایان بود که اغلب آنان در دوره حکومت پهلوی از امتیازات قابل توجهی برخوردار بوده و نسبت به حفظ وضع موجود رضایت داشتند. این طبقه به دلیل قرابت ساختاری با حکومت مرکزی، گرایش محافظه‌کارانه‌ای داشت و با هرگونه تحولی که منجر به تضعیف حکومت و مخاطره‌انگیز شدن موقعیت آنها می‌شد، به شدت مخالفت می‌کردند. آنها در قالب سازمان‌هایی همچون حزب رستاخیز حمایت رسمی خود را از رژیم پهلوی اعلام می‌کردند. البته لازم به ذکر است که در شرایطی که حکومت مرکزی را ضعیف و ناتوان می‌دیدند، خودسرانه و با استقلال عمل به حفظ منافع خود می‌پرداختند. از دیگر ویژگی‌های برجسته و کلیدی آیت‌الله ملک‌حسینی، برقراری و حفظ روابط حسنه و مستحکم با طبقه سنتی صاحب نفوذ و تأثیرگذار منطقه بود، که این تعاملات همواره در چارچوب خطوط ایدئولوژیک ایشان قرار داشت. شایان ذکر است که روسای ایلات و عشایر منطقه، به ویژه در کهگیلویه و بویراحمد، احترام ویژه‌ای برای سادات قائل بودند و این احترام متقابل نقش مهمی در تسهیل و تقویت این مناسبات ایفا می‌کرد. در تاریخ تحولات ایران،

به‌خصوص در میان جوامع ایلی و عشایری، به ویژه در ایلات کهگیلویه و بویراحمد، در دوره‌های تغییر حکومت که به «شاه‌گردی» معروف است، همواره تحرکاتی جهت حفظ و تحقق منافع خود انجام می‌دادند. (اکبری، ۱۳۸۵: ۴۱۰) به استناد گزارش‌های موجود و بر پایه سنت‌های تاریخی منطقه، برخی از خان‌زاده‌ها و کدخدایان تلاش‌هایی را برای احیای نظام ایلخانی آغاز کردند. شاهد عینی که در هنگام پیروزی انقلاب اسلامی در شهر یاسوج حضور داشته است، ضمن توصیف شور و حضور گسترده مردم انقلابی و شادی وصف‌ناپذیر آنان از سقوط رژیم شاه، گزارش می‌دهد که برخی کدخدایان و افراد متنفذ به تدریج در پی هماهنگی برای غارت شهر یاسوج بودند؛ هرکس نیتی در سر داشت، بازار خرید و فروش اسلحه و مهمات رونق یافته بود، هر روز گروهی از کدخدایان اطراف به همراه نیروهای مسلح خود وارد شهر شده و قدرت‌نمایی می‌کردند (سیرت جمال: ۷). گزارش دیگری بیان می‌کند که گروهی از بویراحمدی‌ها قصد داشتند به مناطق بابا میدان و مناطقی دیگر هجوم برده و اقدام به غارت کنند که با حضور به موقع و تدبیر آیت‌الله ملک‌حسینی این اقدام پیش‌دستانه خنثی شد (مصاحبه، افتخاری: ۱۳/۰۵/۱۳۹۸). حضرت آیت‌الله ملک‌حسینی با شناخت عمیق خود از تاریخ استان، ساختارهای سیاسی-اجتماعی و مناسبات منطقه‌ای، تدابیر لازم را برای جلوگیری از هرگونه تحرکات احتمالی خان‌زاده‌ها و کدخدایان اتخاذ نمودند. باید تأکید کرد که مهم‌ترین عامل در برقراری امنیت و آرامش پس از سقوط رژیم پهلوی، نفوذ معنوی ایشان و پس از آن تدابیر مدیریتی‌شان بود. به واسطه ویژگی‌های شخصیتی و مدیریتی خاص، و همچنین روابط حسنه با چهره‌های متنفذ و خان‌زاده‌ها، از سال‌های پیش از انقلاب اسلامی از نفوذ کلام بالایی در میان این گروه‌ها برخوردار بودند. خان‌زاده‌ها و کدخدایان متنفذ ایلات، علاوه بر احترام و اعتقاد به روحانیت شیعه و به ویژه سادات، انگیزه‌های متعددی برای حفظ و تقویت روابط حسنه و تعامل با آیت‌الله ملک‌حسینی داشتند. یکی از جوانان انقلابی آن دوران در خصوص نقش ایشان اظهار داشت: «تدابیر آیت‌الله ملک‌حسینی منجر به جذب و آرامش خان‌زاده‌ها و کدخدایان شد و اجازه نداد که آنان همانند گذشته رفتار کنند» (مصاحبه، عباسپور: ۱۵/۰۴/۱۳۹۸). دیگر فعال و مبارز سیاسی بر این باور است که آیت‌الله ملک‌حسینی به دلیل ارتباط و روابط گسترده و حسنه با خوانین و کدخدایان، نقش مؤثری در آرام کردن وضعیت منطقه در ماه‌های سخت پس از پیروزی انقلاب اسلامی داشت (غفاری، مصاحبه: ۰۹/۰۷/۱۳۹۸) مبارز و شاهد دیگری ضمن

تأکید بر نقش ملک‌حسینی، بر این باور است که وی، بیشترین و مؤثرترین نقش را در مقابل زیاده روی ها و همچنین آرام کردن خوانین و کدخدایان داشت (رضا محمدی نیک، ۱۳۹۸: ۲۳) فضای سیاسی و اجتماعی شکل گرفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در استان کهگیلویه و بویراحمد و بخصوص شهرستان بویراحمد، شرایط ویژه‌ای را حاکم کرده بود. توده مردم و بخصوص جوانان پرشور و نشاط انقلابی، سرمست از پیروزی انقلاب و سقوط نظام شاهنشاهی، در پی انقلابی استانی و منطقه‌ای هم بودند. اینان بر این باورند که تمامی بساط طبقه همراه و همگام با حکومت پهلوی و بخصوص خاندانها و کدخدایانی که تا آخرین لحظات مدافع حکومت پهلوی بودند، و همه گونه وابستگی به آن را داشتند، برچیده شوند. این جوانان انقلابی می‌خواستند که پشتیبانان حکومت پهلوی در منطقه همچون سران حکومت پهلوی محاکمه و بازخواست شوند. بعضی خاندانها و کدخدایان نیز در پی برنامه‌ها و اهداف خاص خود بودند و هر لحظه امکان بروز تنش‌ها و درگیری‌ها و بازگشت به اقدامات خودسرانه گذشته وجود داشت. نویسنده محلی در این باره می‌نویسد: «متنفذین گذشته، که بقایای خانواده خان و کدخدایان بودند، می‌کوشیدند که ارزش گذشته را در جامعه داشته باشند... آنان در دل عقده‌های نسبت به طوایف و افراد دیگر داشتند... از آنان تلافی نمایند... جو غالب به سوی هدفی می‌رفت که هرکسی فرصتی پیدا نماید تا عقده دل بگشاید...» (مراسان: ۲۸). چنین شرایط خاص و بحرانی بود که اهمیت و حضور و وجود شخصیتی جامع و نافذ که با فرهنگ و ساختار جامعه ایلی و عشایری آگاهی کامل داشت، بیشتر و بیشتر در تاریخ این مرز و بوم خودنمایی می‌کند و ارزش و اهمیت آن معلوم می‌گردد. ایشان با هزینه کرد شخصیت و آبروی خود و با علم و آگاهی از اینکه بخشی از جوانان انقلابی بدبین و نگران خواهند شد، با دوراندیشی و اتخاذ تدابیر لازم، در پی آرام کردن فضای سیاسی و اجتماعی منطقه برآمد و جلوی تنش‌ها و درگیری‌های احتمالی را گرفت و به حداقل ممکن رساند. یکی دیگر از صحنه‌های مدیریت و هدایت آیت‌الله ملک‌حسینی مربوط به پاکسازی نیروهای وابسته به رژیم پهلوی در ادارات و سازمان‌ها بود. وقوع انقلاب اسلامی و تغییر حاکمیت سیاسی و مهم تر از آن وقوع انقلاب عمیق اجتماعی آن هم با ایدئولوژی دینی و مذهبی، نمی‌توانست بدون برخورد و مقابله با جریان‌ها و نیروهای وابسته به نظام سیاسی سابق مسیر خود را هموار و تثبیت نماید. اصولاً یکی از مهم ترین خواسته‌های انقلابیون، برچیدن و پاکسازی و کنار نهادن اینگونه افراد و جریان‌ها بود. در همین

راستا انقلابیون استان کهگیلویه و بویراحمد خواهان این امر بودند و جوانان انقلابی غیر از این را برنمی‌تابیدند. آیت‌الله ملک‌حسینی که وقوف و اشراف کامل به مسائل مختلف منطقه را داشتند، تمامی تلاش و مساعی خود را بکار گرفتند تا موضوع به گونه‌ای مدیریت شود که تنش‌ها را به حداقل ممکن برساند. بدون تردید؛ اگر مدیریت و هدایت مؤثر ایشان نبود، برخوردهای قهرآمیز و شدیدی نسبت به وابستگان به حکومت پهلوی صورت می‌گرفت. باید به این نکته مهم و اساسی توجه داشت که ساختارهای اجتماعی و ایلی و قبیله‌ای استان و تعصبات خاص اینگونه جوامع، بسیاری از مسائل به راحتی قابل مدیریت و هدایت نبود. نقش مؤثر و بی‌بدیل آیت‌الله ملک‌حسینی در لحاظ کردن مصالح اجتماعی منطقه، پاکسازی نیروهای وابسته به حکومت پهلوی با اغماض و مصلحت‌اندیشی صورت گرفت که کمک بسیار زیادی به آرامش، تثبیت و استمرار و امنیت در منطقه و استان کرد.

بهره‌گیری از افکار و سلايق مختلف در زیر سقف انقلاب

جوانان مبارز و انقلابی توقع داشتند که با پیروزی انقلاب اسلامی، خود در مصدر امور باشند اینان با بهره‌گیری و استفاده از افراد و جریان‌های غیر انقلابی یا محافظه کار و بی‌تفاوت مخالف بودند؛ اما آیت‌الله ملک‌حسینی که نگران تنش‌ها و درگیری‌های احتمالی بود، ترجیح داد تا با بهره‌گیری از افراد شاخص و متنفذ غیرانقلابی که بیشتر گرایش‌های ملی داشتند، تا حدودی وحدت و وفاق را ایجاد نماید. ایشان در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۷ یعنی حدود یک هفته بعد از پیروزی انقلاب، طی اعلامیه‌ای بر تشکیل «کمیته اسلامی اجرایی انتظامات یاسوج» تأکید و با خطاب قرار دادن فرزندان انقلاب، نوشت: «همه موظف هستید برای وصول به نتایج عالیه انقلاب در حفظ آرامش و به وجود آوردن محیط امن و آرام در مرکز استان نهایت مجاهدت و فداکاری» را به عمل آورید. (عباسپور، مصاحبه ۱۳۹۹) (ایزدپناه، مصاحبه ۱۳۹۹) مطلب مهم و قابل توجه آنکه اعضای اصلی و اولیه کمیته انقلاب اسلامی یا همان انتظامات شهر یاسوج؛ اشخاص و افرادی چون؛ عطا طاهری، یعقوب غفاری و هادی پناهی و... بودند (رضا محمدی نیک: ۶۳-۶۲) که از نگاه جوانان انقلابی آن روز، شاخصه‌های انقلابی را نداشتند. این چهره‌ها که به آیت‌الله ملک‌حسینی نزدیک بودند، با تندروی و حرکت‌های انقلابی و برخوردهای قهرآمیز مخالف و اصولاً مبانی فکری آنها با نیروهای انقلابی آن روز چون شهید ایزدپناه متفاوت بود. یکی دیگر

از چالش‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اختلاف و چند دستگی نیروهای انقلابی بود. ماه‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، جوانان انقلابی در استان و بخصوص در مرکز استان، در قالب دو جریان «دفتر تبلیغات فعالیت‌های اسلامی» و «دفتر تبلیغات حقایق اسلامی» فعالیت می‌کردند (نیک نژاد، مصاحبه ۱۳۹۸/۰۹/۲۳) دفتر تبلیغات فعالیت‌های اسلامی اغلب متشکل از جوانان انقلابی متأثر از جریان‌های چپ مذهبی به‌خصوص دکتر علی شریعتی بودند و اصطلاحاً چپ اسلامی محسوب می‌شدند. تشکیل‌دهندگان «دفتر تبلیغات حقایق اسلامی» دارای مواضعی نرم و معتدل وسیعی در حفظ همه نیروها و ایجاد نوعی توازن در میان ایلات و عشایر مختلف استان تلاش می‌کردند (سند ضمیمه شماره ۲۹). این دو جریان در گذر زمان به‌گونه‌ای در تقابل با یکدیگر قرار گرفتند و هرکدام تلاش می‌کرد که خود را حق و دیگری را ناصواب جلوه دهد. آیت‌الله ملک‌حسینی که نگران تقابل نیروهای انقلابی بودند و مهم‌تر از آن، نگران سوءاستفاده بدخواهان و بازماندگان وابستگان حکومت پهلوی از این‌گونه اختلافات بود، در تاریخ ۱۳۵۸/۰۲/۲۹ طی اعلامیه‌ای از همه نیروهای مؤثر و مردم استان درخواست می‌کند که به تأسی از رهبری انقلاب اسلامی، تشریک‌مساعی نموده و بدون اختلاف‌نظر در حزب جمهوری اسلامی ثبت‌نام نمایند. ایشان با این‌گونه تدابیر توانستند تنش‌ها و درگیری‌های احتمالی را به حداقل ممکن رسانند. معنی این سخن آن نیست که ادعا شود، همه امور به‌خوبی و درستی تمام پیش رفت. اما مدیریت آیت‌الله ملک‌حسینی کمک قابل‌توجهی به آرامش اوضاع در منطقه بعد از پیروزی انقلاب داشتند. آیت‌الله کرامت ملک‌حسینی به دلیل سابقه مبارزاتی و نفوذ گسترده در میان ایلات منطقه، برخورداری از مدیریت قابل‌توجه و مهم‌تر از همه به‌عنوان عالمی وارسته که مورد اعتماد رهبری انقلاب اسلامی بود، به‌عنوان نماینده ولی‌فقیه در استان منصوب گردید. بعد هم از جانب مردم استان کهگیلویه و بویراحمد در مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد و این دو مسئولیت مهم تا پایان عمر پربرکت ایشان ۱۳۹۱/۰۸/۱۲ استمرار داشت.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به‌وضوح نشان داد که رهبری دینی و سیاسی آیت‌الله ملک‌حسینی، یکی از عوامل اساسی در جهت‌دهی و بسیج عشایر کهگیلویه و بویراحمد به‌سوی انقلاب اسلامی بوده است. وی با برخورداری از مشروعیت مذهبی عمیق و ارتباطات گسترده با ساختارهای سنتی ایلی و

عشایری، توانست به عنوان پلی میان رهبری مرکزی انقلاب و جوامع محلی عمل کند و به واسطه آن، نقش مهمی در همسویی و هماهنگی بین گفتمان انقلاب اسلامی و فرهنگ و هویت عشایری منطقه ایفا نماید. آیت الله ملک حسینی با صدور اعلامیه های پی در پی، روشنگری سیاسی و دینی، هدایت سران ایلات، و همچنین مدیریت هوشمندانه چالش های پس از انقلاب، مانند کنترل تنش های درون ایلی و مقابله با گروه های محافظه کار و وابسته به رژیم پهلوی، زمینه ساز مشارکت فعال، گسترده و منسجم عشایر در جریان انقلاب شد. نفوذ معنوی و اجتماعی وی موجب شد که جریان های انقلابی در این مناطق از انسجام بیشتری برخوردار شوند و در عین حال، مانع بروز درگیری های خونین و خودسرانه شد که می توانست امنیت و ثبات منطقه را تهدید کند. بنابراین، پاسخ به پرسش اصلی مقاله که «رهبری دینی آیت الله ملک حسینی چگونه بر مشارکت عشایر کهگیلویه و بویراحمد در انقلاب اسلامی تأثیر گذاشت؟» روشن است؛ وی توانست با استفاده از جایگاه ممتاز دینی و اجتماعی خود، نقش حیاتی در همگامی و همراه سازی عشایر با اهداف انقلاب ایفا کند و این امر موجب شد که انقلاب اسلامی در این منطقه با کمترین تنش و بیشترین پشتوانه مردمی همراه باشد. در نهایت، این مطالعه بر اهمیت نقش رهبران دینی محلی در شکل دهی به تحولات سیاسی و اجتماعی تأکید می کند و نشان می دهد که چنین رهبری هایی می توانند نقش مؤثری در پیوند دادن ارزش های دینی و هویت قومی-محلی با اهداف و آرمان های کلان انقلاب داشته باشند، به گونه ای که این پیوند باعث تثبیت و تداوم ساختارهای نوین سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب می شود. این امر به ویژه در جوامع سنتی و ایلی که ساختارهای پیچیده اجتماعی و قدرت محلی وجود دارد، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

کتابنامه

الف) اسناد

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، اسناد مربوط به آیت‌الله ملک‌حسینی.

ب) کتاب

- اکبری، قدرت‌الله، **بویراحمد در گذرگاه تاریخ**، شیراز، نشر: ادیب مصطفوی، ۱۳۸۵.
- امانی‌زوارم، وحید و احمد نقیب‌زاده، **نقش روحانیت شیعه در انقلاب اسلامی ایران**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- جمال سیرت، ایرج، **پاسیاد مرحوم حضرت آیت‌الله ملک‌حسینی (ره)**، یاسوج، چویل، ۱۳۹۲.
- دارابی، علی، **سیاستمداران اهل فیضیه**، تهران، سیاست، ۱۳۷۹.
- روشنفکر، محمدمهدی، **نوسازی و جامعه ایلی**، تهران، مورخان، ۱۳۹۷.
- زید بهبهانی، محمد، **خاطرات ماجراهای من**، ج ۱، اهواز، تراوا، ۱۳۹۱.
- کرمی‌پور، حمید، **جامعه تعلیمات اسلامی (آیت‌الله شیخ عباسعلی اسلامی و نقش ایشان در انقلاب اسلامی)**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
- محمدی نیک، رضا، **بویراحمد، مهد علم، حماسه و غیرت**، تهران، زیتون سبز، ۱۳۹۸.
- واحد یادبودهای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، **شهادت روحانیت از خرداد ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷**، قم، نشر: مرکز انتشارات و تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.
- سیاهپور، کشواد. «نگاهی اجمالی به مبارزات سیاسی آیت‌الله ملک‌حسینی با حکومت پهلوی دوم». **مجموعه مقالات اولین کنگره ملی بزرگداشت آیت‌الله سید کرامت‌الله ملک‌حسینی**، آبان ۱۳۹۶.

ج) مصاحبه

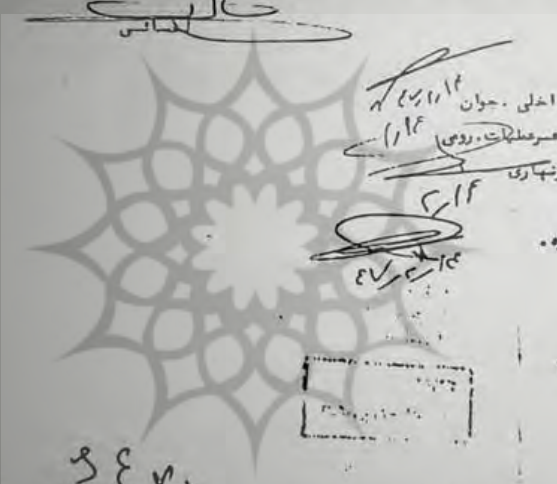
- افتخاری، موسی، مصاحبه ۱۳/۰۵/۱۳۹۸.
- ایزدپناه، علی، مصاحبه ۰۶/۰۶/۱۳۹۹.
- عباسپور، ولی‌الله، مصاحبه ۱۵/۰۴/۱۳۹۸.
- غفاری، یعقوب، مصاحبه ۰۹/۰۷/۱۳۹۸.

تلگرافات مبادره

۱- به: ساواک فرمانده ارشد، کابل، گیاره و دیوبند احمد ۲- از: ساواک فارس ۳- تاریخ: ۱۳۷/۲/۱۴ ۴- شماره: ۹۳۵۸	۵- در: کد متوسط ۶- وقت تسلیم: اداره پست و تلگراف و تلفن ۷- تقدم
--	--

شماره: ۹۳۵۸

سید کرامت طک حسینی گمازرو حائسون افراطی شهر از می باشد اخیرا به دوگنبدان عزیمت نموده
خواهشمند است دستور فرمایند از اعمال وی مراقبت و تشجیرا باین ساواک اعلام نمایند. / رز



رئیس امنیت داخلی: جوان ۱۳۷/۲/۱۴

شهید کشته: دور حرس خطرات: روی ۱۳۷/۲/۱۴

ماشین نویسنده: و نهاری

تلگرافچی: ۱۳۷/۲/۱۴

ساعت: مخابره

۹۳۵۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

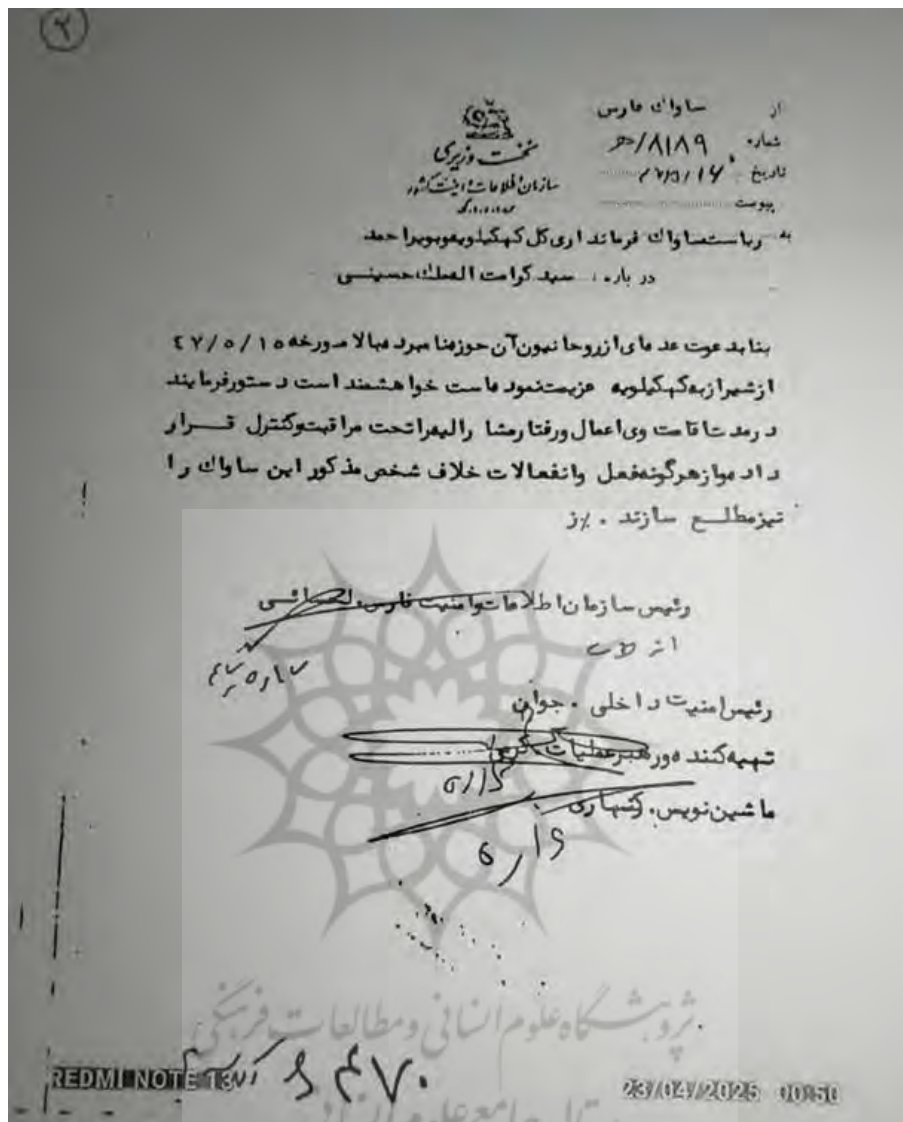
نام: _____

عنوان تصویب کننده: _____

تصویب کننده: _____

تاریخ: _____

مهر: _____



[illegible]

(۳)

طبقه بندی حفاظتی

مزارش خیر

۷ - منبع : ۱۳۶۶

۸ - منشأ : —

۹ - تاریخ وقوع : ۱۳۶۶/۲/۲

۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع : ۱۳۶۶/۲/۲

۱۱ - تاریخ رسیدن خبر به مراجعین : ۱۳۶۶/۲/۱

۱۲ - ملاحظات حفاظتی : —

درجه اول

صفحه	از	صفحه	از
۱	۳۶۴	۲	۱۸
۳	۴۶۷	۴	۶۷۳
۵	۶۷۳	۶	۶۷۳

موضوع : سید کرامت‌الله خلیفه حسینی

صنف / پرو : —

* نامبرده بالا که از روحانیون و مدرسین مدرسه غان شیواز میباشد در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۲ با اتفاق یکی از طلاب مدرسه مذکور بنام حمداله فخر احمدی که از اهالی باشت (در نزدیکی دوگنبدان) میباشد به این منطقه وارد و در منزل برادرش سید ابراهیم ملک حسینی (دهرود بهرستان دوگنبدان) اقامت گزید.

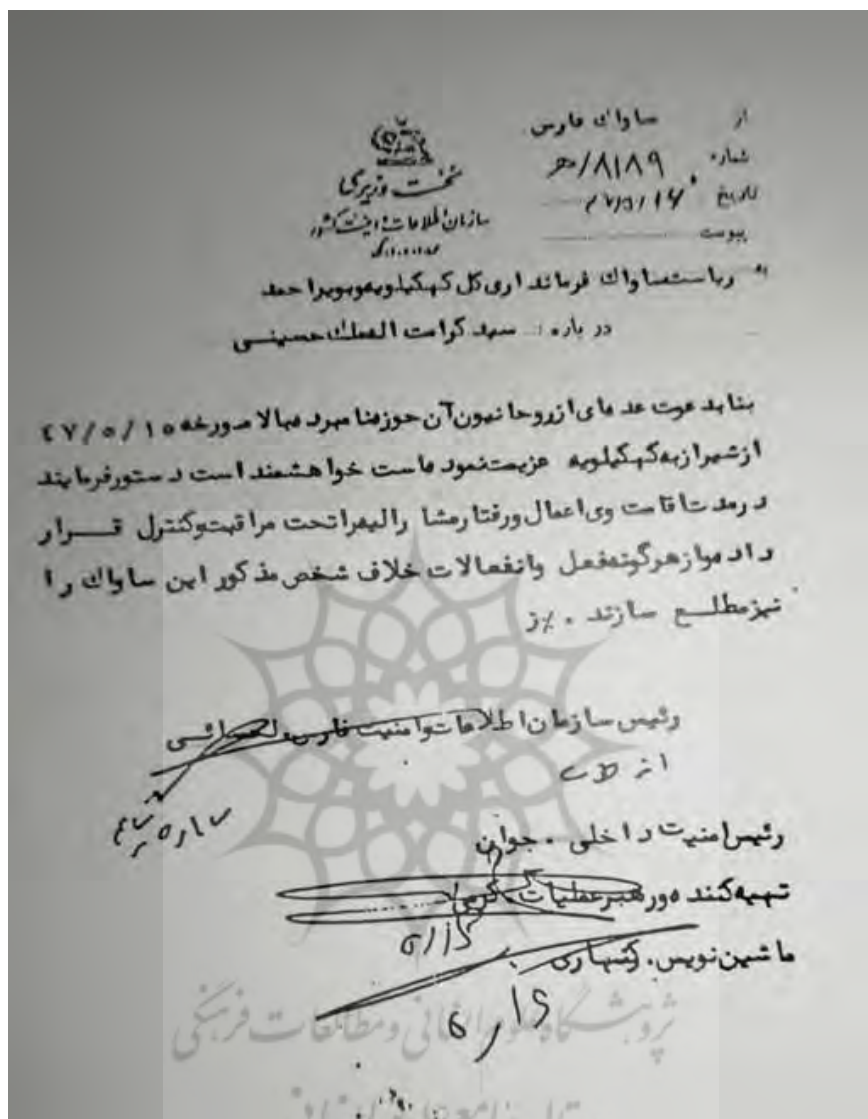
مشارالیه در این مدت با اغلب روحانیون و معتمدین منطقه و عدای افراد مذهبی نظیر سید مصطفی لویان (رئیس اداره گل آموزش و پرورش) و چندتن از دبیران فرهنگ و کارکنان شرکت نفت نیز ملاقات نمود. به علاوه سفری به بهبهان نیز نمود و در آن شهرستان تقریباً کلیه روحانیون با وی ملاقات و گفتگو نمودند.

در تمام این مدت صحبتها و مذاکرات نامبرده با افراد مذهبی در اطراف اتحاد سلعانان و مقابله آنان به بهائیان و ابراز تأسف از وسعت یافتن دامنه فعالیت‌های بهائیان و لزوم مبارزه با آنان در میزده است.

در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۳ موسی بلادیان - معتمد بهبهانی و سایر اطرافیان آمد و نیز به بدن سید کرامت‌الله ملک حسینی رفته و در ملاقات با او از وضع مسجد و امام جمعه دوگنبدان که و ابراز نگرانی مینمایند. کرامت‌الله ملک حسینی هم بدون اظهار نظر در این باره موضوع صحبت را به بهائیان و مبارزاتی که در مردشت شمس باشیخها داشته میکشاند.

نظریه رهبر عملیات :

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

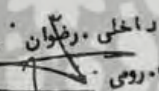
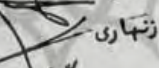
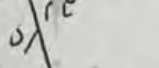


۶

موضوع	تاریخ	محل
۱- شماره ۱۸۰۵۷۰	از تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲	تهران
۲- شماره ۱۸۰۵۷۰	از تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲	تهران
۳- شماره ۱۸۰۵۷۰	از تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲	تهران
۴- تاریخ گزارش ۱۳۵۷/۵/۲۲	از تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲	تهران
۵- پیوست	از تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲	تهران
۶- کبر تعداد غیر	از تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲	تهران
۷- منبع	از تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲	تهران
۸- محتوا	از تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲	تهران
۹- تاریخ و نوع	از تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲	تهران
۱۰- تاریخ رسیدن غیر به منبع	از تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲	تهران
۱۱- تاریخ رسیدن غیر به رهبر	از تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲	تهران
۱۲- ملاحظات حفاظ	از تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲	تهران

موضوع: سید کرامت علی حسینی

تاریخ: ۱۳۵۷/۵/۲۲ به منظور دیدار از رهبران عشایر
 و جمع‌آوری اطلاعات و تهیه گزارش. محل: تهران
 ملاحظات: مراعات جهت مراقبت از احوال و رفتار و تماس‌های مشاورانه
 تعداد: ۱ نفر (شماره ۱۸۰۵۷۰)

رهبر امنیت داخلی: 
 رهبر عملیات: 
 ماشین‌نویس: 

۱۳۵۷/۵/۲۲

پرونده شماره ۱۸۰۵۷۰

رئیس‌کتابخانه و مطالعات فرهنگی

مجلس شورای اسلامی

طبله بندی حفاظتی

گزارش خبر

درجه فوریت

صفحه یکم

شماره

از

تاریخ گزارش

تاریخ رسیدن خبر

ملاحظات حفاظتی

از

تاریخ

شماره گزارش

تاریخ گزارش

تاریخ رسیدن خبر

ملاحظات حفاظتی

موضوع: سید کرامت اله حسینی

نام سرده: ملا محمد حسن - مدرسه علمیه خان شیراز میباشند به تعدادی از بزرگان و اولاد که بمناسبت شرکت در کلاس هجدهمین سالگرد آزادی اوراق اوراق فارسی اقتضای گردیده اند و مدرسه خان پیرخان نوده و گفته است شما خائن هستید تا امام زمان را بپذیرید و این است هم میگوید چرا و اوراق اوراق ثبت تمام نوده و این بزرگانی که از آن اداره میروند بپذیرد حرام است

ملاحظات: تاریخ و رهنمودات - سوابق سید کرامت اله ملک حسینی قباله گزارش گردیده است

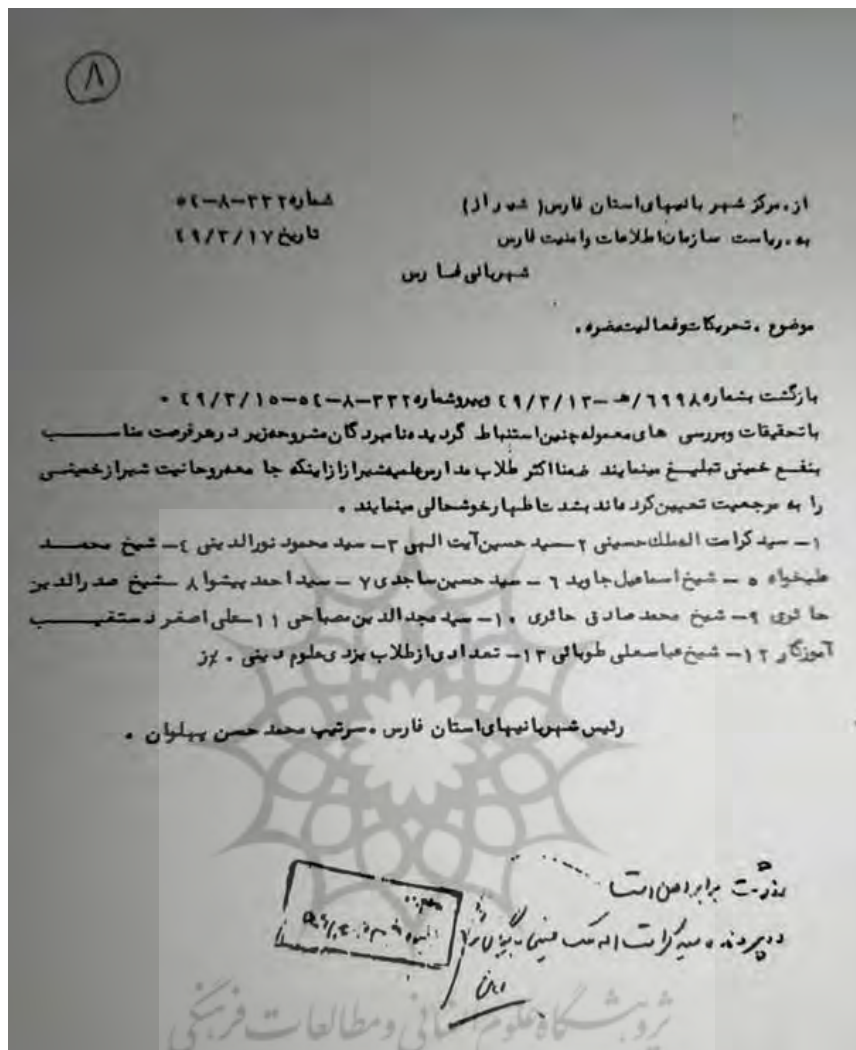
۸۷/۹/۲۹

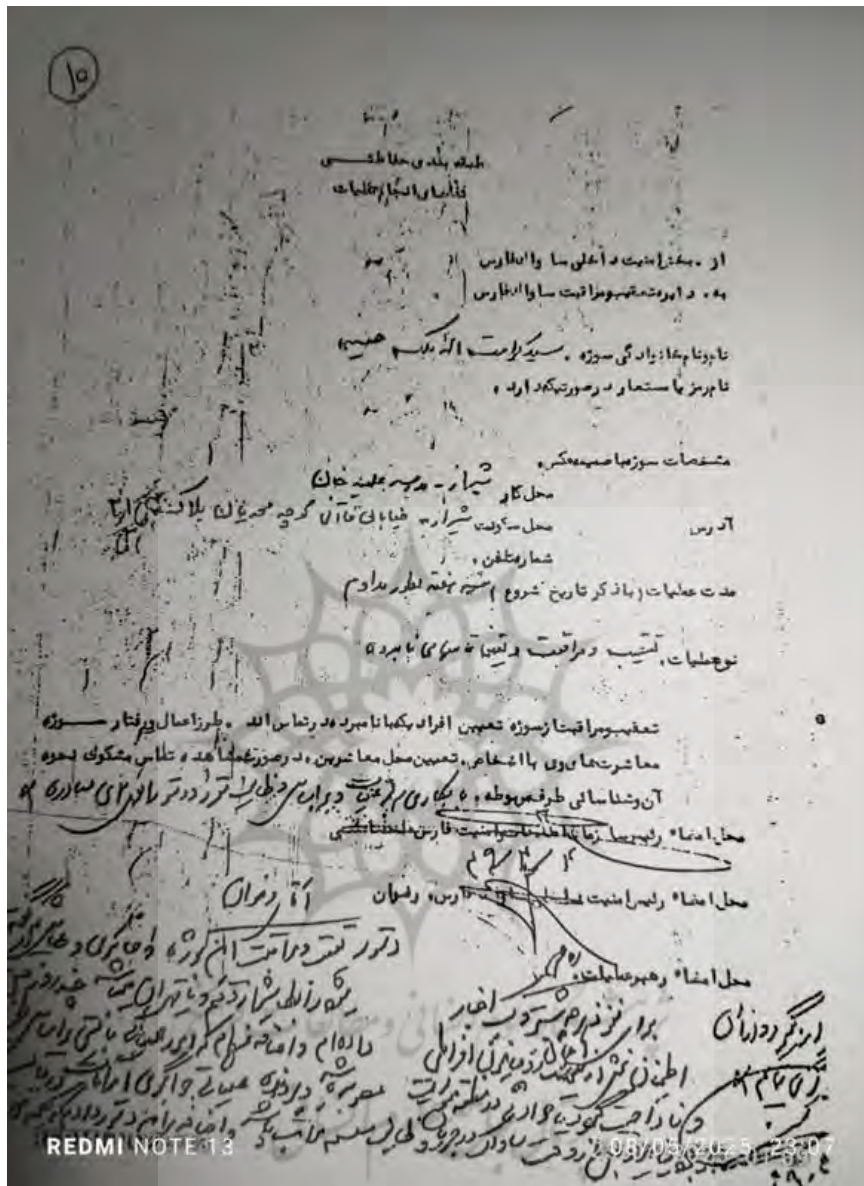
رئیس امنیت داخلی - رکنان

رهنمودات - رومی

ماشین نویس - منصوری

پرتال جامع علوم انسانی





تلگرافات صادره

۱- به اوراق در وگنبدان
 ۲- از اوراق در
 ۳- تاریخ ۷۰۴۸ / ۷۰
 ۴- شماره ۳۰۴۰۸

۵- عمل شده توسط
 ۶- وقت تسلیم به اداره پست و تلگراف
 ۷- تلفن
 ۸- تقدم خیابان وری

شماره ۷۴۹ / ۵ ۳۸ / ۱۰ / ۲۱

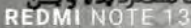
مأموریت در وقت رفت و آمد در راهی مظنون از منزل سید
 کرامت الله ملک جمنی که فعلاً در وگنبدان است
 تعدادی اوراق و کتب کشف شده به مراتب جهت -
 مراقبت از افعال و رفتار وی اعلام میگردد.

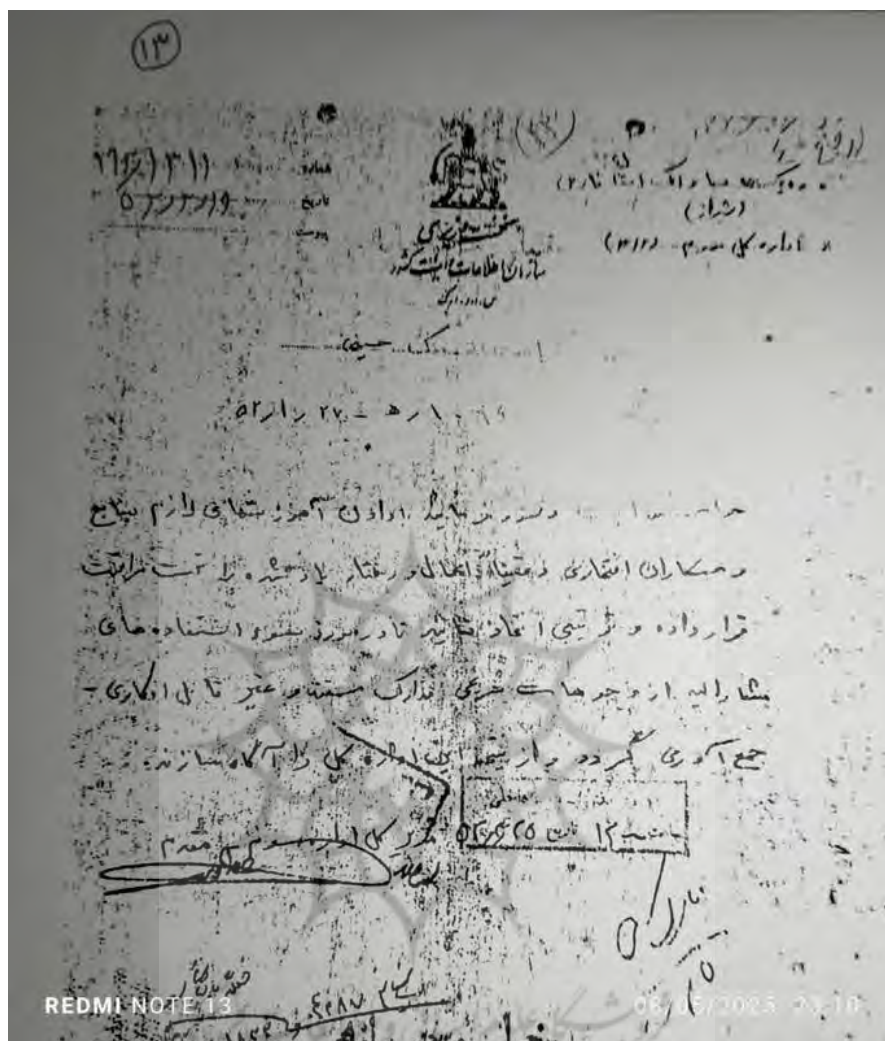
لیست

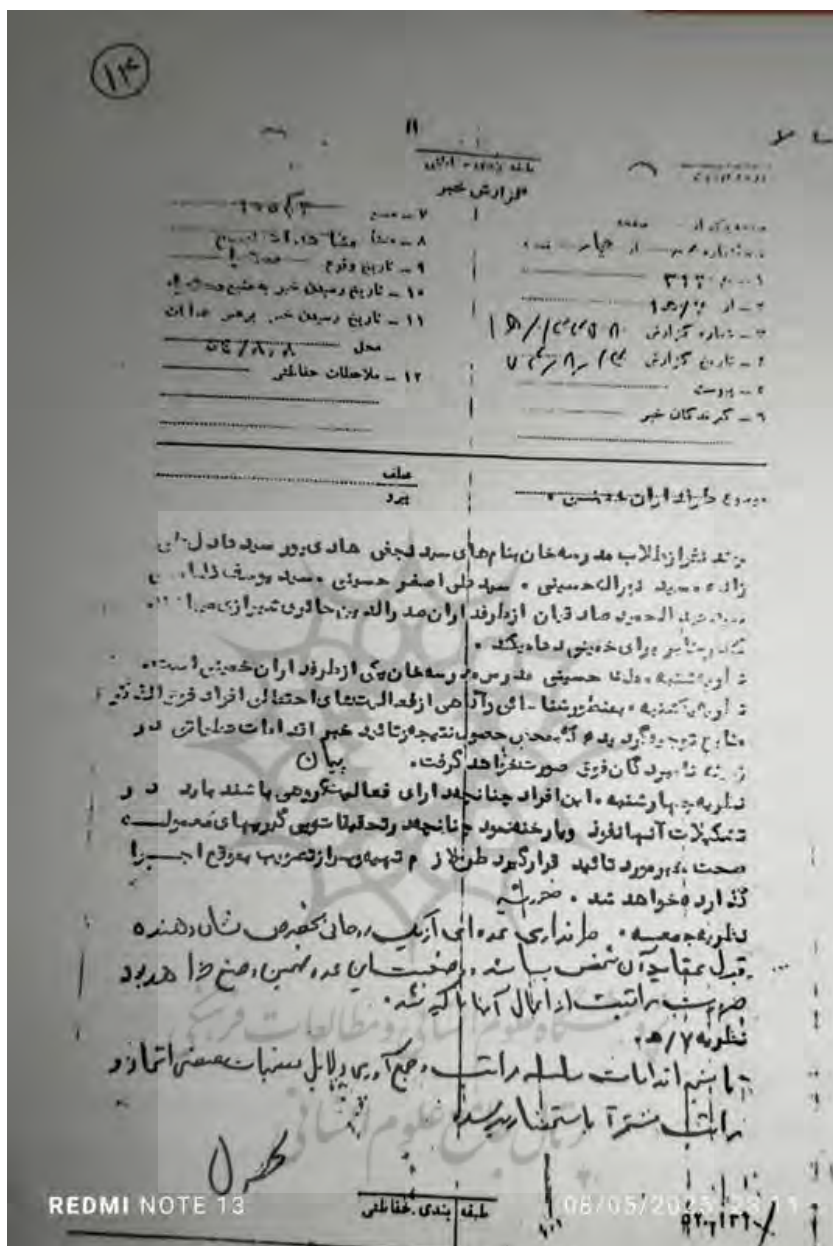
رئیس امنیت داخلی
 رهبر عملیات
 ماشین نویس
 (۱۰۴۲۳)

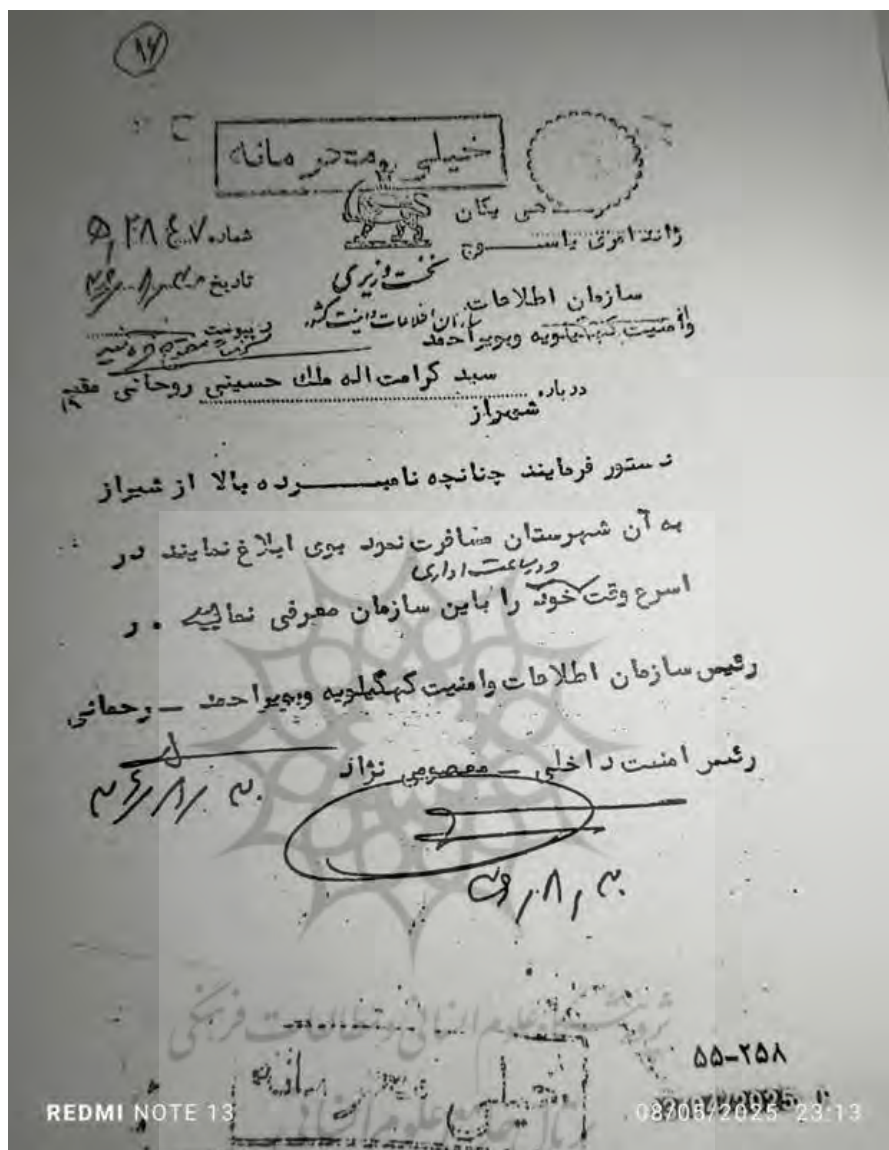
تهیه کننده نام
 تصویب کننده نام
 عنوان تهیه کننده
 عنوان تصویب کننده
 ۵۰۱

۱۳۳-۳۶ ن









REDMI NOTE 13

